

اسلام و ایمان (۱)*

آیت‌الله علامه محمدتقی مصباح یزدی رحمته‌الله‌علیه

چکیده

این متن درس اخلاق استاد علامه مصباح یزدی پیرامون اسلام، ایمان، شرح و تفسیر تفاوت آن دو است. از آنجاکه ایمان نقش برجسته در نیل به کمال انسان دارد، قوام واقعی تکامل انسان به ایمان است. در واقع ایمان شرط لازم رسیدن به کمال و سعادت انسانی است. هر چند گروهی معتقدند ایمان و اسلام یکی است؛ هر مسلمانی، مؤمن نیز هست، اما باید گفت که اسلام با صرف گفتن شهادتین تحقق می‌یابد، ایمان اما چنین نیست. مؤمن کسی است که به هر آنچه در اسلام تشریح شده است، عمل کند، به‌ویژه اینکه مرتکب گناه کبیره نشود. ایمان از ماده «امن» و «امنیّت» به معنای اعتماد و اطمینان است. از این‌رو می‌توان گفت: اسلام دو گونه است: اسلام ظاهری که با گفتن شهادتین محقق می‌شود و اسلام واقعی از آن کسی است که واقعاً انسان به آنچه خداوند نازل کرده و فرموده اعتقاد داشته، آنها را تصدیق نماید تا زمینه دریافت سعادت ابدی را فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، ایمان، اسلام واقعی، اسلام ظاهری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره

گفته شد که ایمان نقش بسزایی در ارزش‌دهی به رفتارها دارد و دروازه‌ مسیر کمالات است. به دیگر سخن، قوام تکامل واقعی انسان، که موجب سعادت آخرتش می‌شود، به ایمان است، و ایمان شرط لازم برای رسیدن به سعادت است. بنابراین جا دارد درباره‌ ایمان و مسائل مربوط به آن درنگی کنیم و آیات و روایات ناظر به آن را بررسی کنیم.

تفاوت اسلام و ایمان

از صدر اسلام تاکنون درباره‌ دو واژه‌ اسلام و ایمان میان متکلمان و سایر فرقه‌های مسلمان بحث‌های فراوانی در گرفته است. واژه‌ اسلام و ایمان بسیار شبیه به هم‌اند و گاه نیز به جای یکدیگر به کار می‌روند. بسیاری بر این باورند که اسلام و ایمان دو روی یک سکه‌اند؛ یعنی هرکس مسلمان است، باید ایمان داشته باشد و کسی که ایمان ندارد، مسلمان نیست.

اما ظرافت‌هایی که درباره‌ رابطه‌ اسلام و ایمان وجود دارد، منشأ بحث‌های دراز و سرنوشت‌سازی شده است. شاید اولین عاملی که باعث توجه به این مسئله شده، ظاهر این آیه از قرآن است که می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لَمْ تُوْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۱۴). گروهی از اعراب خدمت رسول اکرم ﷺ مشرف شدند و گفتند که ما ایمان آوردیم. آیه نازل شد که آنچه شما دارید، اسلام است، نه ایمان؛ زیرا هنوز ایمان در دل‌های شما وارد نشده است. ظاهر آیه مبین آن است که اسلام و ایمان با یکدیگر تفاوت دارند؛ اما این شبیه وجود دارد که چگونه ممکن است کسی مسلمان باشد، اما ایمان نداشته باشد.

گروهی معتقدند اسلام و ایمان یکی است و هرکس مسلمان باشد، مؤمن نیز هست. آنها درصدد توجیه آیه مزبور برآمده‌اند و «هنوز ایمان ندارید» را این‌گونه تعبیر کرده‌اند: باید بیشتر دقت کنید. یکی از نکاتی که باعث شده است این افراد تصور کنند اسلام و ایمان یکی است، این است که کلمه‌ کفر، هم در مقابل اسلام به کار رفته است و هم در مقابل ایمان. مدعای این گروه در همین آیه ابطال می‌شود؛ زیرا این آیه، اسلام و ایمان را از هم تفکیک می‌کند و می‌گوید: شما اسلام دارید، ولی هنوز ایمان ندارید: «وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ»؛ یعنی هنوز برای اینکه ایمان به دل‌های شما

وارد شود، نیازمند انجام کارهای دیگری هستید.

عده‌ای بر این باورند که اسلام با گفتن شهادتین و اعتقاد به چیزهایی که خداوند متعال نازل فرموده است، حاصل می‌شود، اما شرط داشتن ایمان، عمل به این دستورهاست و مؤمن کسی است که به هرآنچه در اسلام تشریح شده است، عمل کند و بخصوص مرتکب کبیره نشود. از نظر ایشان، چون کفر، هم در برابر ایمان به کار می‌رود و هم در برابر اسلام، اگر کسی به دستورهای دین عمل نکند، مؤمن نیست و کافر شمرده می‌شود؛ زیرا به پندار آنها، اسلام و ایمان یک چیزند، با این اضافه که در ایمان، عمل به دستورهای دین شرط لازم است؛ از این رو مرتکب گناه کبیره، چون به دستورهای دین عمل نکرده، از دایره‌ ایمان خارج است و هرکس از دایره‌ ایمان خارج شود، کافر است.

گروه دیگری که در علم کلام به فرقه‌ مرجئه (ر.ک: اشعری، ۱۴۰۵ق، ص ۱۹۷) معروف‌اند، معتقدند اسلام و ایمان یکی است. اسلام با گفتن شهادتین محقق می‌شود و بنابراین هرکس شهادتین را بر زبان جاری کند، مسلمان است، و چنین شخصی مؤمن نیز هست و بنابراین ارتکاب گناه موجب کفر و عذاب جهنم و شقاوت ابدی او نخواهد شد. از این گروه در روایات، فراوان یاد شده است (ر.ک: ابن‌شاذان، ۱۳۵۱، ص ۴۵-۴۶). سخنان این گروه شبیه سخنان اهل کتاب است که قرآن از زبان آنها می‌فرماید: «لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ» (آل‌عمران: ۲۴)؛ ممکن است چند روزی در عالم برزخ گنهکاران گوشمالی شوند، اما همین که انسان ایمان آورد، سعادت ابدی برایش ثابت است.

دیدگاه برگزیده در پرتو آیات و روایات

پس از آشنایی با مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره‌ مسئله‌ ایمان و اسلام، به بیان دیدگاه خود، مبتنی بر آیات و روایات می‌پردازیم. قبل از هر چیز، بیان معنای لغوی اسلام و ایمان ضروری است.

معنای لغوی اسلام

قبل از توضیح معنای لغوی اسلام لازم است به این نکته توجه شود که الفاظ در طول زمان، تحولات معنایی زیادی پیدا می‌کنند. این تغییر و تحول‌ها نه تنها در زبان عربی، بلکه در فارسی نیز زیاد است. محض

نوجوانی پانزده - شانزده ساله بود، خانه کعبه را می ساختند، این گونه دعا می کردند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ» (بقره: ۱۲۸). روشن است که در این آیه، منظور از اسلام، تسلیم شدن مطلق در برابر حق تعالی، و مقام والایی است که حضرت ابراهیم علیه السلام آن را از خداوند درخواست کرده است. آیه ۱۹ سورة «أل عمران» نیز همین معنا را افاده می کند: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»؛ دین حقیقی نزد خداوند اسلام است. بنابراین می توان دین تحریف نشده یهود را نیز اسلام دانست؛ زیرا این تعابیر مربوط به زمانی است که هنوز پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله مبعوث نشده و دین اسلام نیامده بود.

معنای لغوی ایمان

کلمه ایمان از ماده امن است. امن و امنیت در مقابل نگرانی است (فراهیدی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۳۳-۱۳۵؛ ابن منظور، ۱۳۰۰ق، ج ۱، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ خوری شرتونی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۳؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۲۰۳). انسان زمانی که خود را از ناحیه آسیب یا ضرری مصون یافت، احساس امن و امنیت می کند. این معنای ایمان، همان اعتماد و اطمینان است. به همین سبب، کسی که به مسائل ماورای طبیعی، از جمله خدا و قیامت اطمینان واقعی ندارد، برای قلب خود امنیت ایجاد نکرده، یا به عبارت دیگر، به آنها ایمان نیاورده است. وقتی ایمان آورد، به آرامش می رسد و قلبش مطمئن می شود.

البته اگر ایمان به معنای لغوی آن در نظر گرفته شود، در این صورت، به معنای اعتقاد قلبی به چیزی (خواه حق و خواه باطل) است. براساس این معنا، ایمان به امور باطل نیز نوعی ایمان تلقی می شود؛ اگرچه ایمان باطلی است.

اما ایمان در اصطلاح رایج، به معنای اعتقاد به توحید، نبوت و معاد است. به عبارت دیگر، ایمان به خداوند، ایمان به جمیع اسما و صفات الهی است، و از جمله صفات الهی آن است که بندگان را به وسیله انبیا هدایت می کند. بنابراین به دنبال ایمان به توحید، ایمان به نبوت مطرح می شود؛ یعنی ایمان به کسانی (انبیا) که انسان را به سوی خدا هدایت می کنند. وقتی ایمان به انبیا حاصل شد، تصدیق به ما انزل الله (آخرت و معاد) نیز حاصل خواهد شد. بر این اساس، بدون اعتقاد به این سه اصل، انسان مؤمن محسوب نمی شود. ایمان به این سه اصل، با اسلام از لحاظ مصداق و مورد یکی است. کسی که به اینها ایمان داشته باشد، مسلمان نیز هست و اگر یکی از اینها

نمونه، تقیه اصطلاحاً به این معناست که انسان در مقابل دشمنان دین، اعتقاد و احکام خود را مخفی نگه دارد و به گونه ای عمل کند که از شر آنها محفوظ بماند. اما معنای لغوی تقیه این نیست و حتی در **نهج البلاغه**، که کلام امیرمؤمنان علیه السلام است و مدت ها بعد از نزول قرآن صادر شده، تقیه به معنای تقوا به کار رفته است. حضرت می فرماید: «تَقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ شَمَرَ تَجْرِيداً» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۰). تقیه در اینجا مفعول مطلق برای تقواست. «تقیه»، «تقوا» و «تقاة» هر سه اسم مصدر برای یک فعل اند که در آنها معنای خوف اشراب شده است. از این رو گاهی تقوا را به خداترسی ترجمه می کنند (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه تقوا)؛ درحالی که تقوا در اصل به معنای ترس نیست. تقوا از «وقایه» است و در اصل به این معناست که انسان در مقابل خطری که او را تهدید می کند، خود را حفظ کند (ابن منظور، ۱۳۰۰ق، ج ۱۵، ص ۳۷۸)، و لازمه این کار، ترس از خطر، و از جمله ترس از خطر کفار و مخالفان است. در کلمات اهل بیت علیهم السلام، کلمه تقیه به معنای ترس است که در مورد دین مطرح است و انسان با مخفی کردن مذهب، از آن ترس مصونیت می یابد (حرعاملی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۴۸۳؛ مجلسی، ۱۴۱۳ق، ج ۷۵، ص ۳۹۹، ح ۳۸).

دو واژه اسلام و ایمان نیز ابتدا در قرآن کریم و روایات به معنای لغوی شان استعمال می شدند، اما به تدریج در تعبیرات دینی، میان متکلمان و کسانی که درباره مسائل اعتقادی بحث می کردند، معنای اصطلاحی دیگری پیدا کردند و قیودی به آنها افزوده شد. در آیه مذکور (حجرات: ۱۴)، اسلام اصطلاحاً در مقابل ایمان به کار رفته است؛ درحالی که معنای لغوی آن، چنین اقتضایی ندارد. اسلام در لغت به معنای تسلیم بودن، چیزی را پذیرفتن و در مقابل آن موضع نگرفتن است. در برخی از آیات قرآن، واژه اسلام به همین معنای لغوی به کار رفته است (بقره: ۱۱۲). در **نهج البلاغه** نیز آمده است: «الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ» (نهج البلاغه، ۱۳۷۷، حکمت ۱۲۵). اسلام و تسلیم از یک ماده اند. در این اصطلاح، اسلام دینی است که خداپسند است.

همه انبیا صلی الله علیه و آله دین حق الهی را اسلام نامیدند. این اصطلاح در آیات قرآن نیز آمده است. برای مثال، در آیه ۱۳۳ سورة «بقره» می فرماید: «وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ». پیامبرانی همچون ابراهیم علیه السلام و یعقوب علیه السلام به فرزندان شان وصیت می کردند که سعی کنید با اسلام از دنیا بروید. یا وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام به همراه جناب اسماعیل علیه السلام، که

.....منابع

نهج البلاغه، ۱۳۷۷، ترجمه و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
 ابن شاذان، فضل بن، ۱۳۵۱، الايضاح، تهران، دانشگاه تهران.
 ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۳۰۰ق، لسان العرب، بيروت، دار صادر.
 اشعری، علی بن اسماعیل، ۱۴۰۵ق، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین،
 ترجمه حسن مؤیدی، بی جا، بی نا.
 حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۲ق، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث
 العربی.
 خوری شرتونی، سعید، ۱۳۷۴، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، تهران،
 اسوه.
 دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی،
 تهران، دانشگاه تهران.
 فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۶۷ق، العین، تحقیق مهدی مخرومی و ابراهیم
 سامرائی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۳ق، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق محمدباقر
 محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱، بندهای امام صادق (ع) به رهجویان صادق، قم،
 مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

را انکار کند، مسلمان نیست؛ و اگر قبلاً مسلمان بوده، سپس آنها را
 انکار کرده است، مرتد می شود. البته شیعه علاوه بر این سه اصل، به
 دو اصل دیگر یعنی عدل و امامت نیز معتقد است که تفاوت آن را با
 دیگر فرق اسلامی مشخص می کند.

اسلام ظاهری و اسلام واقعی

فرهنگ دینی ما، اسلام را دو گونه دانسته است: اسلام ظاهری و
 اسلام واقعی (برای مطالعه بیشتر، رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، فصل
 ششم). در اسلام ظاهری، که امری اجتماعی است و با اظهار
 شهادتین محقق می شود، هیچ ضمانتی برای بعد از مرگ و رفتن به
 بهشت - در صورتی که دلیلی بر انکار واقعی آنها نباشد - وجود ندارد و
 صرفاً به قول فرد، که خود را مسلمان می پندارد، اکتفا می شود و
 احکام ظاهری اسلام، مانند پاکی بدن، جواز ازدواج با مسلمان و ارث
 بر او بار می شود. در اینجا حتی با منافقی که برای استفاده از مزایای
 اسلام به ظاهر ادعای مسلمانی می کند، بر اساس این احکام رفتار
 خواهد شد. در بسیاری از منابع دینی، وقتی کلمه اسلام به کار
 می رود، مراد همین اسلام ظاهری است. در زمان پیامبر اکرم (ص) نیز
 کسانی بودند که پشت سر ایشان - گاهی در صف اول - نماز
 می خواندند، ولی منافق بودند. آیات فراوانی بر این مطلب دلالت
 دارند (آل عمران: ۱۷۹؛ بقره: ۱۹۷؛ توبه: ۳۸، ۵۹، ۹۳-۹۸، ۱۰۱،
 ۱۰۷ و ۱۲۷؛ فتح: ۶، ۱۱، ۱۵ و ۱۶).

اما اگر انسان واقعاً به آنچه خداوند فرموده و نازل کرده است،
 اعتقاد داشت و همه آنها را تصدیق کرد، زمینه دریافت سعادت ابدی
 را پیدا می کند. چنین فردی اسلام واقعی را برگزیده است.